

انقلاب مشروطیت و مجلس اول

نیلوفر کسری

و مردم را به "فرّه ایزدی" و "موهبت الهی سلاطین" فرامی خواند. این امر در نتیجه تفکر غالب و ذهنیت توده مردم و برخی از فیلسوفان عصر قاجاریه بود که وجود سلطان را توجیه کرد؛ به عنوان مثال حاج محمد حسین نصرالله دماوندی، یکی از فیلسوفان عصر قاجار نوشته است:

"سلطنت و نبوت، دو نگینی اند که در یک خاتم قرار گرفته اند و امارت و امامت توأم هستند. پس همانطور که اطاعت از پیامبر واجب است، اطاعت از سلطان هم واجب است." (۱)

اما در کنار این تفکر شایع، تفکر دیگری وجود داشت که می توانست بسرعت این شکوه و عظمت پوشالی را زیر سؤال ببرد. چرا که اگر چه شاهان قاجار، شکوه و عظمت شاهان پیشین را به ارث بردند و زندگی قبیله ای را بسرعت رها ساختند و شمشیر صفوی را به عنوان نماد تشیع به کمر بستند و بر تخت طاووس نشستند، ولیکن به رغم این شکوه و تشریفات، در تحصیل تقدس و مشروعیت الهی ناکام ماندند؛ زیرا بیش تر مجتهدان علناً اعلام می کردند که حضرت مهدی (ع)، مسئولیت هدایت عامه را نه به رهبران غیر دینی بلکه به علما و نهادهای مذهبی واگذار کرده است؛ پس دولت در ذات خود نامشروع است. (۲)

بدین ترتیب شاهان قاجار، ظل الله هایی بودند که حوزه اقتدارشان فقط به پایتخت محدود می شد. پادشاهانی که خود را نمایندگان خداوند بر روی زمین قلمداد می کردند، اما رهبران بزرگ مذهبی آنها را غاصبان حاکمیت خداوندی می دانستند؛ حاکمانی که به تخت و تاج خود قداست داده بودند ولی ابزاری برای اجرای تصمیمات نداشتند؛ شاهنشاهانی که برخلاف ادعای خود، بر شاهان دیگری حکم نمی راندند، بلکه با صلاح حدید و به وسیله شاهان

پیروزی آقا محمد خان و به قدرت رسیدن ایل قاجار، از لحاظ ساختار سیاسی قدرت تنها یک جابجایی در سطح ایلات کشور بود و ساختار قدرت همچنان دست نخورده باقی ماند. شاه و سلطان، حاکم بر جامعه غالب و دارای خودکامگی، بود. مطلق گرایی سیاسی و خودکامگی، ویژگی عمده ساختار قدرت به حساب می آمد. همه چیز بنا بر میل و اراده پادشاه قرار داشت و بسیار نامحدود بود؛ به طوری که بر تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی تعلق می گرفت. مرکز ثقل قدرت سیاسی قاجاریه، شاه بود و دیگر افراد و طبقات بنا به نزدیکی به این مرکز اهمیت می یافتند و فقط تحت شرایط و میزانی که با این قدرت مطلقه در تماس بودند، در ساختار سیاسی جایگاهی داشتند.

از اواسط عصر قاجاریه، بویژه پس از شکستهای مکرر و پی در پی ایران از روسیه - که منجر به قرار داد ننگین گلستان و ترکمانچای شد - ضعف ساختار سیاسی ایران نمایان گردید و مهم ترین طبقه پس از شاه و درباریان، توانست در ساختار سیاسی قدرت تأثیر کرده و آن را تحت الشعاع قرار دهد. این طبقه، روحانیت بود که همواره مهم ترین طبقه اجتماعی در معارضه با خودکامگی شاه و استبداد مرکزی به حساب می آمد؛ از اوایل عصر قاجاریه به بعد توانست در ساختار سیاسی قدرت تأثیر گذارد و استبداد مطلقه و خودکامگی را به عقب نشینی های مکرر وادارد.

باید خاطر نشان ساخت که قدرت استبدادی سلطان در ایران به طور تاریخی نوعی قدرت مشروع به شمار می رفت و از حکومت های استبدادی طولانی مدت قبل از قاجاریه نشأت می گرفت. به گونه ای که باورهای اعتقادی مردم، نوعی مشروعیت قدرت مطلقه حاکم یا سلطان را می پذیرفت



آغاز اعتراضات مشروطه خواهی

بازیگران اصلی قدرت سیاسی در ایران، نخبگان حاکم و شاهزادگان بودند که در رأس آنها ولیعهد قرار داشت. سپس درباریان، عناصر دیوانی، سران ایلات بزرگ و خانها در تحکیم سلطنت پادشاه و حکومت قاجاریه نقش عمده ای داشتند. اینان گرچه ستونهای اصلی حکومت به شمار می رفتند، اما توزیع و ابزار قدرت به نوعی بود که هیچکدام از این اجزا و عناصر نمی توانست از قدرت شاه پیشی بگیرد.

این نحوه توزیع قدرت سیاسی در میان نخبگان حاکم - که بخش کوچکی از جامعه را در بر می گرفت - با مدنظر گرفتن قدرت مطلقه شاه، یک نظام سیاسی استبدادی بسته را موجب گردید که طبیعتاً واکنشهایی را می طلبید. بتدریج تحمل استبداد سیاسی جای خود را به مقاومت و سپس واکنش داد. مهم تر از همه، سبب پیدایش سؤال بزرگ تر، "حدود و اختیارات پادشاه چیست؟ و قانون و عدالت کدام است؟" شد و شکل و قالب تفکر جامعه را در هم شکست و بالاخره برنظام فکری موجود فائق گشت. علی الخصوص آنکه ایرانیان پس از شکستهای پی در پی از روسیه، به عقب افتادگی علمی

کوچک" مانند سران قبایل، بزرگان محلی و رهبران ایل، حکومت می کردند. (۳)

پادشاهان قاجار با توسل به دو نوع سیاست، حکومت می کردند:

۱- عقب نشینی های مکرر هنگام رویارویی با مخالفان خطرناک.

۲- دستکاری و تحریک اختلافات گروهی در جامعه ای چند پاره و منفرد. (۴)

به همین دلیل ما در تاریخ قاجاریه تأیید نظر مخالفان مذهبی را بخوبی می بینیم؛ به طوری که شاهان قاجار همواره در جلب نظر آنها کوشا بودند؛ به عنوان مثال وقتی که مجتهد و روحانی در شهر خواهان برکناری حاکمی می شد، شاهان قاجار با آنها مدارا می کردند. فتحعلی شاه در مقابل درخواست مجتهد محبوب شهر کاشان مبنی بر برکناری حاکم وقت چاره ای جز تسلیم نداشت و ناصرالدین شاه هنگامی که علمای تهران به مجسمه اش بشدت اعتراض کردند، بلافاصله آن را برداشت و پذیرفت که چنین یادبودهایی با شریعت اسلام منافات دارد. (۵)



محمدعلی شاه

برخاستند که اصناف و تجار بخش عمده آن بودند، و همین امر سبب شد تا ضمن آنکه اصناف نقش تاریخی - اجتماعی خود را بازیابند، به عنوان بازیگران اصلی صحنه، مبارزه ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آغاز کنند و این امر آنچنان اهمیت پیدا کرد که حتی طبقه حاکمه و دیوانسالاری بر آن مهر تأیید زد و جایگاهی خاص برای آنها در ساختار جدید سیاسی حکومت - که حاصل انقلاب خود آنها بود - قائل شد.

علی الخصوص آنکه انقلاب مشروطه، انقلابی جمعی بود که تعداد زیادی از افراد بالاخص افراد طبقات بالای جامعه، با دیدگاههای متفاوت سیاسی در آن نقش داشتند. این نهضت، از نوع حرکت‌های اجتماعی و طبقاتی شهرنشین بود و زارعین در تشکیل آن نقشی نداشتند؛ به طوری که بنا به قول گرانث داف به گری:

«روستائیان در تلاش و قوت روزانه خویشند؛ به غارت و بدرفتاری عاملان حکومت، چنان آمیخته و چنان خون‌سرد گشته‌اند که احتمالش خیلی کم است تا مدت‌ها هر نهضتی را علیه نظام حاکم و مستقر وقت ببینند.» (۷)

یکی از عوامل اساسی که باعث حرکت اجتماعی مردم در دوران انقلاب مشروطیت شد، فشارهای اقتصادی، ورشکستگی نظام سیاسی و بحران مالی بود. (۸)

در آغاز قرن نوزدهم، حکومت ایران شدیداً اقتدارگرا و مستبد بود. هیچ قدرتی بر این اقتدار و استبداد مطلقه چیره نبود. شاه، با کمک اطرافیان و رابزان متعدد خودش نظارت می نمود و از طریق دستگاههای عریض و طویل متعدد چون وزارتخانه ها و ادارات، بر مردم اعمال قدرت می کرد.

مهم ترین رکن دستگاه حکومت - که عامل اصلی دوام و بقای آن نیز به حساب می آمد - قشون بود. افراد قشون از سهمیه های نامنظم عشایری تشکیل می شدند و دفاع در برابر مهاجمات بیگانه و شورشها و قیامهای داخلی را برعهده داشتند. به طور کلی اهرم اقتدار دولت، قشون بود. بعد از قشون مهم ترین عامل اقتدار دولت، گردآوران مالیاتها و مستوفیان بودند که می توانستند با شیوه عملکرد خود، درآمدهای حاصله دولت را افزایش دهند و بدین ترتیب عامل اقتدار دولت گردند.

در عصر قاجار، شاه، مالک بیش تر زمینها بود و به طور موقت مالکیت آنها را به مقامات مهم کشوری و لشگری و گاه روحانی اعطای کرد تا پس از آباد کردن زمین، مقداری از محصول را به دولت واگذارند و یا مقرری سالیانه بدهند. بدین ترتیب، حکومت بر تعداد زیادی از ایالات خود مختار فرمان می راند. هر یک از این ولایات در امور داخلی خود مستقل بودند و حاکم ولایات همچون شاهان در ایالات خود اقتدار داشتند. در نتیجه آن نوع حکومت، فشار اصلی بر طبقات پایین جامعه، کشاورزان، دهقانان و اقشار کم درآمد شهری وارد می شد تا به این ترتیب، لوازم عیش و عشرت حکام و شاه را تهیه نمایند.

در نهایت این خرجهای گزاف و ریخت و پاشهای دربار به نحوی بود که بودجه مملکت نمی توانست آن را تأمین کند. از اواسط عمر سلسله قاجاریه، هزینه سفرهای گرانبه - که با اخذ وامهای کلان با بهره های بالا صورت گرفت - بر حدت و شدت این بحران افزود. (۹)

این قروض - که از بانک شاهی گرفته شده بود - منابع اقتصادی و درآمد ملی را مانند گمرکات، به گرو و تضمین وام برداشته بود. از سوی دیگر اعطای



مسیو نوز بلژیکی



عین الدله

دیده می شدند. (۱۲)

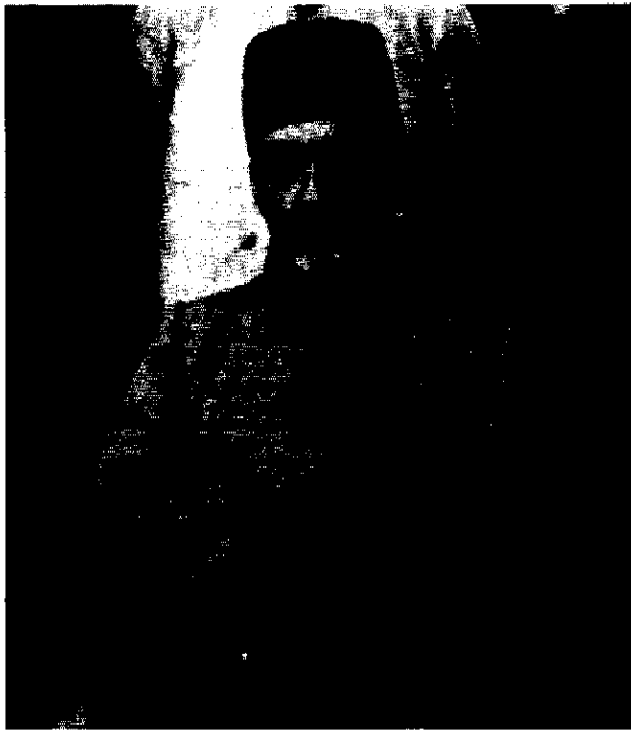
شایان ذکر است که شکستهای پی در پی ایران از روسیه، پاره ای از دولتمردان هوشیار و دلسوز ایرانی را به فکر انجام اصلاحاتی بنیادین در حکومت انداخت. پس یاره ای از آنها چون عباس میرزا و میرزا تقی خان امیر کبیر، با جسارت و شجاعت هر چه تمام تر دست به اصلاحات بنیادین در ساختار حکومت زدند تا از این طریق کیفیت ادارات را سر و سامان داده و بر بی نظمی امور خاتمه دهند. (۱۳) اما اقدامات آنها به جایی نرسید و شاه، پس از مدتی دوباره استبداد را از سر گرفت.

در نهایت حکومت استبدادی، فقر، آشفتگی و هرج و مرج و بی قانونی، مهم ترین طبقه بعد از حکام را بر آن داشت تا در تغییر شرایط موجود فعالیت بیش تری از خود نشان دهند و مانند همیشه مأمّن و ملجأ و پناهگاهی برای مردم شوند. این تعارض بین حکومت و روحانیت، از دوره ناصری گسترده شد؛ به طوری که ما شاهد نهضت تنباکو و عقب نشینی حکومت هستیم. سرانجام بر اثر ظلم و ستم و فشارهای روزافزون حکومت، یک سلسله حرکتیهای ایجاد شد که در جریان آن دسته ای از روحانیون به اشاعه افکار دموکراتیک و اشاعه اصول حکومت مشروطه دست زدند و اکثر روحانیون در جبهه مخالف حکومت قرار گرفتند. (۱۴)

امتیازات به بیگانگان، نبض اقتصادی ایران را به دست بیگانگان داد.

نحوه اخذ مالیات و خشونتت که مستوفیان در اخذ آن به کار می بردند، علمی الخصوص داستان فروش دختران رعایای خراسان به ترکمنها، آخرین قطره ای بود که جان مردم را به لب رساند. (۱۰) و با اینکه در فارس ملک منصور میرزا شعاع السلطنه پسر مظفر الدین شاه - که در عنفوان جوانی به ایالت فارس انتخاب شد - متجاوز از چند صد نفر از مردمان طماع و سود جو را با شکوه تمام با خود به فارس برد و از هنگام ورود، به غارت و ستمگری پرداخت... حکومت این شاهزاده جوان، مردم فارس را گدا کرد؛ به رعایا خسارات زیاد وارد گشت و سیر کردن شکم و پر کردن جیب او و اردوی مفتخوری که همراه برده بود، آن سامان را به روز سیاه نشانید. (۱۱)

رفتار محمد علی میرزا در آذربایجان نیز انگیزه دیگری برای بیداری و بیزاری مردم بود. این جوان آزمند با همه دارایی و جایگاه بلند، از مردم پول دریافت می کرد و از کسانی که وام گرفته بود، بر نمی گرداند و ستمگرانی که او را شناخته بودند، به هر طریق به او نزدیک می شدند و به پشتگرمی یاوریهی او، در ستمگری با مردم اندازه نگه نمی داشتند. قلم، شرم دارد از اینکه بنویسد هر خانه ای که دختر یا پسر زیاروی داشت، مصیبتی برای رئیس خانه ایجاد می کرد و اکثر جوانان تا سبیلهای کشیده نداشتند، کم تر در مجامع عمومی



مهدی قلی خان مخبر السلطنه هدایت

ماه محرم صورت گرفت. حدود دو بیست تن از مغازه داران و وام دهندگان، خواستار عزل مسئول گمرکات، مسیو نوز بلژیکی، و باز پرداخت وامهایی شدند که دولت از آنها گرفته بود. این مسائل، با توهین مسیو نوز به روحانیت کامل شد و مغازه ها بسته شد. مظفرالدین شاه قول داد تا بازگشت از سفر به خواسته های انقلابیون رسیدگی کند، اما این قولها هرگز عملی نشد. اعتراض دوم در آذر ماه و هنگامی صورت گرفت که حاکم تهران می کوشید با به فلک بستن دوتن از تجار سرشناس شکر، قیمت شکر را پایین آورد.

یکی از این افراد، تاجر هفتاد و دو ساله بسیار محترمی بود که هزینه تعمیر بازار مرکزی و احداث سه مسجد را در تهران پرداخت کرده بود. وی، مدعی بود که دلیل افزایش قیمتها نه احتکار بلکه اغتشاشات روسیه است. به گفته یکی از شاهدان عینی، خیر به فلک بستن تجار مثل برق در سراسر بازار پیچید. مغازه ها و کارگاهها بسته شد و دو هزار تن از تجار و طلاب به رهبری آیات عظام طباطبایی و بهبهانی، در حرم عبدالعظیم نشستند و چهار خواسته خود را مبنی بر:

- ۱- برکناری حاکم تهران؛
 - ۲- عزل نوز؛
 - ۳- اجرای شریعت؛
 - ۴- تأسیس عدالتخانه؛
- به دولت اعلام کردند؛

دولت سرانجام پس از یک ماه مقاومت در برابر متحصنان و در هم شکستن اعتصاب عمومی در تهران، تسلیم شد. سومین مرحله اعتراض در نتیجه اجرای قولهای داده شده از سوی دولت



میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی

در این میان رفتار توهین آمیز حکام با بعضی از علما، موجب شکاف بیش تری بین دربار و مردم گردید. در شیراز مشاجره آشکاری به رهبری علما میان شعاع السلطنه حاکم شهر و مردم در گرفت. (۱۵)

در کرمان نیز میان علما و حکام در گیریهای وجود داشت و اختلافاتی که در میان گروهی از طلبه ها و حکومت در تهران در گرفته بود، خود منشأ دیگری برای شکایت مردم علیه دولت شد. (۱۶)

تعارض روحانیت و دولت - که در حمایت از ملت انجام شده بود و جنبه های گوناگونی را در بر می گرفت - نخستین ثمره آشکار این پیوستگی تخریب ساختمان جدید بانک استقراضی روسیه در تهران بود. همبستگی علما با یکدیگر چشمگیر بود.

عین الدوله، در ابتدا می خواست با رشوه در میان رهبران نهضت نفاق افکند اما نتیجه ای نگرفت و نهایتاً متوسل به زور شد. (۱۷)

در این میان بحران اقتصادی ۱۹۰۵ م، ۱۲۸۲ ش. ضربه نهایی را وارد ساخت. برداشت بد محصول در سراسر کشور، افول ناگهانی تجارت در مناطق شمالی به دلیل شیوع وبا، جنگ روس و ژاپن و پس از آن انقلاب روسیه، به افزایش سریع قیمت مواد غذایی منجر شد. در سه ماهه اول ۱۹۰۵/۱۲۸۴ قیمت قند و شکر ۳۳ درصد و گندم ۹۰ درصد در تهران، تبریز، رشت و مشهد بالا رفت. (۱۸)

درآمدهای حاصله از گمرکات کاهش یافت و قیمت مواد غذایی افزایش یافت. دولت با برداشتن تعرفه های گمرکی وضعیت اقتصادی را بدتر از قبل کرد. در نتیجه سه اعتراض عمومی انجام شد و در نهایت به انقلاب مرداد ۱۲۸۵/۱۸ گوست ۱۹۰۶ منجر گشت.

اولین اعتراض، به صورت یک راهپیمایی آرام در جریان مراسم عزاداری



نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی

اینکه با سیل تلگرافهای داخلی در حمایت از خواستهای مشروطه خواهان روبرو شد و همچنین تلگرافهای رسیده از باکو و تفلیس را مبنی بر آمادگی برای اعزام نیروهای مبارز مسلح مشاهده کرد، سرانجام تسلیم شد و مظفرالدین شاه، سه هفته پس از تحصن متعرضان در سفارت انگلیس، مشیرالدوله را به نخست وزیری برگزید (۲۱) و در روز چهاردهم مرداد ۱۲۸۵ ش. برابر با بیست و دوم مارس ۱۹۰۶ م. فرمان حکومت مشروطه را امضا و صادر کرد. (۲۲)

دو روز بعد (۱۶ مرداد ۱۲۸۵) شاه، دستخطی دیگر در تأیید فرمان مشروطیت صادر کرد؛ در این فرمان امر صریح نسبت به تأسیس مجلس منتخبان ملت داده شد. (۲۳)

صبح روز ۱۷ مرداد ۱۲۸۵ ش. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدر اعظم به اتفاق عده ای از علمای اعلام و امنای دولت به قم رفتند و متحصنان را از صدور فرمان مشروطه و تشکیل مجلس ملی با شرکت و کلای مردم باخیر ساختند. متحصنان، شادمان به تهران بازگشتند و با استقبال پر شور مردم وارد تهران شدند. (۲۴)

همان روز عده زیادی از مشروطه خواهان - که در باغ سفارت انگلیس متحصن شده بودند - سفارت را ترک کردند.

سه روز بعد هیئتی جهت فراهم آوردن مقدمات تشکیل مجلس گردهم آمدند. این هیئت، عبارت بود از اعضای سه گروه مجزای یعنی رجال اصلاح طلب شامل صنایع الدوله، محتشم السلطنه، مخبر السلطنه و مشیرالملک و برخی از تجار، پسران طباطبایی و محافظه کاران درباری که شناخته ترین آنها امیر بهادر بود.

رجال اصلاح طلب به رهبری صنایع الدوله، پیش نویسی بر اساس قوانین انتخاباتی مندرج در قانون اساسی بلژیک تهیه کردند. هر چند این پیش نویس به دلیل ناهماهنگی با قوانین اسلامی چندان مورد تأیید نبود، ولیکن به دلیل ضیق وقت و تعجیل در امر تشکیل مجلس، موقتاً پذیرفته شد. بدین ترتیب نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی تهیه و به امضای مظفرالدین شاه رسید (۱۷ شهریور ۱۲۸۵ ش. (۲۵) و شاه، جهت جلب قلوب انقلابیون، شاهزاده عبدالمجید میرزا عین الدوله، صدر اعظم سابق را - که از مخالفان سرسخت حکومت مشروطه بود - به خراسان تبعید کرد. (۲۶) به موجب نظامنامه انتخاباتی، مجلس اول به صورت انتخابات صنفی برگزار شد و نمایندگان از طبقات شاهزادگان، اعیان و اشراف، علماء، تجار، اعیان، مالکان و اصناف انتخاب شدند.

۶۰ تن از نمایندگان به تهران اختصاص داشتند که از این تعداد ۳۲ تن از اصناف، ۱۰ تن از تجار، ۱۰ تن از زمینداران، ۴ تن از علماء و ۴ تن از خاندان قاجار انتخاب گشتند. آقایان طباطبایی و بهبهانی نیز با آنکه رسماً نماینده مجلس محسوب نمی شدند، به منظور نظارت در جلسات مجلس شرکت می کردند. اینان، همچنین به عنوان نمایندگان آرامنه و کلیمیا در مجلس حضور می یافتند. (۲۷)

اولین جلسه مجلس در کاخ گلستان با نطق مظفرالدین شاه افتتاح شد (۱۴ میزان ۱۲۸۵ ش. ۱۷ شعبان ۱۳۳۴ ق. (۲۸).

مظفرالدین شاه با آنکه بشدت بیمار بود و دو نفر بازوان او را گرفته بودند، بر تخت نشست و گفت:



صنایع الدوله (اعتماد السلطنه)

در محرم سال ۱۲۸۵ ش. ۱۹۰۶ م. انجام شد. در جریان این اعتراضات، واعظ محترمی هنگام سخنرانی دستگیر شد و پاره ای از مردم و طلاب، اعلامیه های شدیدالحنی پخش کردند و گروهی از طلاب خشمگین شدند و سرپازان قراولخانه به اعتراض کنندگان حمله کردند و در نتیجه طلبه ای از متعرضان کشته شد. صبح روز بعد در جریان تشییع جنازه طلبه مزبور، بار دیگر بین نیروهای دولتی و متعرضان درگیری رخ داد و این برخورد ۲۲ تن کشته داد و تعداد زیادی مجروح برجای گذاشت. (۱۹) این جوی خون باعث شعله ور شدن آتش انقلاب شد و این بار کلیه شخصیت های بزرگ روحانی همراه با دو هزار طلبه علوم دینی در اعتراض به عملکرد دولت راهی قم شدند. رهبران مذهبی از قم اعلام کردند تا شاه به وعده های گذشته خود عمل نکند، به تهران باز نخواهند گشت. تصور وجود پایتختی بدون مراجع روحانی - که مرجع حل و فصل مسائل حقوقی و قضائی نیز بودند - امری محال بود.

در این هنگام دو تن از تجار نزد نمایندگان انگلیس در منطقه بیلاقی قلهک رفتند و خواستار پناهندگی شدند. بزودی تعداد تجار در سفارت فرونی گرفت و رفته رفته به ۱۴۰۰۰ تن رسید. (۲۰)

در بار در ابتدا در برابر خواستهای متحصنان ایستادگی کرد، اما بعد از



لیاخوف

قابطه اهالی وطن بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولتی و ملتی و منافع اهالی مملکت؛ البته می دانید که نیت اساس مقدسی که به ملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود و به اغراض نفسانی فاسد نگردد! حال بر انتخاب شدگان است که تکلیف خود را چنانکه منظور دولت و ملت است، انجام بدهند. بدیهی است که هیچکدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید مگر به واسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب مردم داشته اید، و خود این نکته باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ما است و رجای واثق داریم که با کمال دانش و بینش و بی غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد، و تکالیف خود را با کمال صداقت و راستی انجام خواهید داد؛ ولی با وجود این چون قابطه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و اینک آنها را نیک و بد خود می دانیم و درخشندگی و مسرت و غم و الم آنها سهیم و شریکیم، باز لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها، فقط عاید به خودتان بود و پس؛ ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمایند و از اموری که باعث فساد است، احتراز نمایید. پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما خجل و شرمند نباشید. این بند و نصیحت را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که برعهده گرفته اید، غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست و حافظ حق و حقانیت است. خدا همراه شما؛ بروید مسئولیتی را که برعهده گرفته اید، با صداقت و درستی انجام بدهید و به فضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید (۱۸) شعبان ۱۳۲۴. (۲۹)

محل مجلس در اتاق نظام کاخ قرار داشت؛ اما بعد از چندی نمایندگان تصمیم گرفتند محل مخصوصی جهت تشکیل جلسات مجلس شورای ملی انتخاب نمایند. بدین منظور عمارت بهارستان - که متعلق به میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی بود و کنار موقوفات او قرار داشت - به حیطة تصرف مجلس ملی درآمد و در سردرب آن عمارت تابلو خیلی بزرگ عدل مظفری نصب شد. (۳۰)

در روز ۱۵ مهر ۱۲۸۵ ش. مرتضی قلی خان صنیع الدوله داماد مظفرالدین شاه، به ریاست مجلس برگزیده شد و میرزا حسن خان و ثوق الدوله، به نیابت اول و حاج محمد حسین امین الضرب به نیابت دوم مجلس برگزیده شدند. (۳۱) در این زمان سعدالدوله، مسئله نگارش قانون اساسی و نظامنامه داخلی مجلس را مطرح کرد و در همان مجلس جماعتی از وکلای با بصیرت انتخاب شدند که همگام با سعدالدوله در نوشتن قانون مساعدت کنند. اعضای این کمیسیون دوازده نفر می شدند. (۳۲)

پس از نگارش قانون اساسی و توشیح آن به دست مظفرالدین شاه، مجلس اول - که انقلابی ترین مجلس به شمار می رفت و قدمهای اساسی را در زمینه مشروطیت برداشت - عملاً به فعالیت پرداخت.

مهم ترین مسئله ای که مجلس اول با آن روبرو بود، مسائل مالی و کسری بودجه بود؛ به طوری که در ۱۸ آبان ماه ۱۲۸۵ ش. مهدیقلی خان مخبر السلطنه

بسم الله الرحمن الرحيم
منت خدای را که آنچه در نظر داشتیم، امروز بعون الله تعالی از قوه به فعل آمده و به انجام این مقصود مهم به عنایات الهی موفق شدیم. زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است؛ مجلسی که رشته های امور دولتی و مملکتی را به هم مربوط و متصل می دارد و علائق ما بین دولت و ملت را متین و محکم می سازد؛ مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است؛ مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون است و در حفظ ودایمی که ذات واجب الوجود به کف با کفایت ما سپرده. امروز روزیست که بر داد و اتحاد ما بین دولت و ملت افزوده می شود و اساس دولت و ملت برشالوده محکم گذارده می شود، و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتنخواه دولت و امنا و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت، در اجرای قوانین شرع انور و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت

از طرف دولت در مجلس شورای ملی حضور یافت و برای مخارج جاری مملکت، پیشنهاد اخذ وام پنج میلیون تومانی کرد. این پیشنهاد با اعتراض نمایندگان روبرو شد.

در ۲۳ آبان همان سال، میرزا ابوالقاسم خان ناصر الملک، وزیر مالیه در جلسه امروز مجلس شورای ملی حضور یافت و پیرامون وضع مالی دولت و تهی بودن خزانه کشور توضیحاتی داد و افزود، استقراض از خارجیان ضرورت خاص دارد. نمایندگان ضمن پرخاش به وزیر مالیه زیر بار استقراض نرفتند و پیشنهاد نمودند دولت برای رفع مضیقه مالی به تأسیس بانک ملی اقدام کند و در همان جلسه، اخذ هر نوع وام از خارجیان ممنوع شد. از طرفی، عده‌ای از نمایندگان به ریاست صنایع الدوله تعیین شدند تا نسبت به تعدیل بودجه و توازن دخل و خرج مملکت طرحی تهیه کنند که از اسراف جلوگیری کند.

در آن زمان، نه تنها درآمدی برای انجام اصلاحات نبود بلکه پرداخت حقوق کارمندان دولت نیز به تعویق افتاده و دولت با خزانه خالی روبرو بود. هدف این بود که تشکیلات قدیمی مداخل و مالیاتها برچیده شود و نظام جدیدی ایجاد گردد. این هیئت، در نخستین قدم هدایای نامنظم و درآمدها و پیشکش‌های اهدا شده به شاه را - که در قبال بعضی انتصابات صورت می‌گرفت - ملغا کردند و بدین ترتیب مخالفت شاه را با مجلس افزون ساختند. (۳۳)

مجلس، حقوق و مستمری شاه را مورد مذاقه قرار داد و مستمری جدیدی برای او در نظر گرفت. از طرف دیگر اقدام به تصفیه حکام ولایات کرد. در این زمان محمد علی میرزا وارد تهران شد و در شرایطی زمام امور را در دست گرفت که مجلس از قدرت شاه می‌کاست. (۳۴)

شاه، از نمایندگان جهت شرکت در مراسم تاجگذاری دعوت نکرد و به تعارضات مابین مجلس و دربار افزود. (۳۵) در نتیجه فشارهای مجلس، محمد علی شاه با کمال ناباوری به خدمت مسیونوز بلژیکی و سایر مستشاران مالی در ایران خاتمه داد.

مجلس اول با وجود مشکلات بسیار، اقدامات مهمی در زمینه نسخ پرداخت تبول انجام داد که مورد اعتراض اشراف و زمینداران شد. لغو خرید القاب و مناصب، اعطای آزادی مطبوعات، تصویب قانون مطبوعات، بلدیة، عدلیه و وظایف نیز از اقدامات دیگر مجلس اول بود. تنظیم متمم قانون اساسی و عزل مسعود میرزا ظل السلطان حاکم اصفهان - که در اعتراضات مردم اصفهان به دستور حاج آقا نجفی و حاج آقانو رالله در تلگرافخانه صورت گرفته بود - از اقدامات مهم این مجلس به شمار می‌رود. (۳۶)

مجلس اول - که با مخالفت پنهان محمد علی شاه و درباریان و دول خارجی بویژه پس از قرارداد ۱۹۰۷ م. و تقسیم ایران به دو منطقه تحت نفوذ مواجه بود - در نهایت با مخالفت علنی محمد علی شاه و نیروی قزاقش به ریاست کلنل لیاخوف و چند افسر روس دیگر روبرو گشت و در تیر ۱۲۸۷ ش. مطابق با ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق. / ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م. به توپ بسته شد و پس از مقاومت کوتاهی که از سوی آزادیخواهان و نمایندگان ملت صورت گرفت، به تصرف قوای دولتی درآمد. چندین تن از نمایندگان و روزنامه‌نگاران آزادیخواه در جریان این کودتا به باغشاه پناه بردند و در آنجا زندانی و کشته شدند. عده‌ای نیز به سفارت دول خارجی پناهنده شدند و پس از استقرار حکومت استبداد صغیر

از ایران تبعید گشتند. با این کیفیت، دور اول مجلس شورای ملی منحل و حکومت نظامی در سراسر کشور برقرار شد. (۳۷)

پی‌نوشتها :

- ۱- جهت اطلاعات بیش تر به کتاب رسائل دکتر زرگری نژاد مراجعه شود.
- ۲- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب صص ۵۲-۵۱
- ۳- همانجا، ص ۵۲
- ۴- همانجا، ص ۵۳
- ۵- اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۰۷
- ۶- کاتوزیان، محمد علی انضاد دولت و ملت، ترجمه علیرضا طیب، صص ۱۶۵-۱۶۴
- ۷- معاصر، حسن اتاریخ استقرار مشروطیت در ایران، اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان، صص ۲۸۰-۲۸۱
- ۸- آدمیت، فریدون ایدتولوژی نهضت مشروطیت، ص ۱۲۴
- ۹- شمیم ایران در عصر سلطنت قاجار، فصل هفدهم.
- ۱۰- مجله یغما، سال چهاردهم، دیماه ۱۳۲۰، ص ۲۸۰
- ۱۱- ملکزاده، مهدی اتاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۱۱۰
- ۱۲- طاهر زاده بهزاد، کریم اقیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۰
- ۱۳- فلور، ویلیام اتاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۳۹
- ۱۴- الگار، حامد ادین و دولت در عصر قاجار، صص ۱۷۳-۱۷۰ و ص ۲۵۶
- ۱۵- کسروی اتاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۵۲
- ۱۶- کرمانی، ناظم الاسلام اتاریخ بیداری ایرانیان، ص ۲۴۰
- ۱۷- کسروی اتاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۱، صص ۸۵-۸۱
- ۱۸- حبل المتین، ۲۲-۲۳، اسفند ۱۲۸۵
- ۱۹- حبل المتین، ۶ مهر ۱۲۸۵
- ۲۰- کسروی، احمد اتاریخ مشروطه ایران، ص ۱۱۰
- ۲۱- آبراهامیان، پرواند ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۹
- ۲۲- سندش ۱۹-۲۷ گ و ۱۹-۱۱۳ گ متن فرمان مشروطیت موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- ۲۳- عاقلی، باقر آروز شمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۹
- ۲۴- هفدهم مرداد ۱۲۸۵ ش.، عاقلی، باقر آروز شمار تاریخ ایران ج ۱، ص ۹
- ۲۵- اسنادش ۲۲۶۰۷ ق. و ۲۲۶۰۸ ق. و ۲۲۶۱۰ ق. موجود در آرشیو مطالعات تاریخ معاصر.
- ۲۶- عاقلی، باقر پیشین ص ۱۰
- ۲۷- مخبر السلطنه، هدایت گزارش ایران، بخش چهارم ص ۱۰ و انقلاب مشروطیت، سلسله مقالات دانشنامه ایرانیکا، ترجمه یمین متین، صص ۷۳-۷۲
- ۲۸- اسنادش ۸۹ ق.، ۵۲۱۶ ق. و ۵۲۱۹ ق. موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- ۲۹- نطق مظفرالدین شاه در افتتاح مجلس اول، ناظم الاسلام کرمانی اتاریخ بیداری ایرانیان، ص ۶۴۳
- ۳۰- محیط مانی، محمد هاشم اتاریخ انقلاب ایران، ص ۱۵۷
- ۳۱- عاقلی، باقر آروز شمار تاریخ ایران، ص ۱۰
- ۳۲- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ مشروطیت ایران، ص ۲۳۷
- ۳۳- انقلاب مشروطیت ایران، سلسله مقالات ایرانیکا، ص ۷۴
- ۳۴- آذر ۱۲۸۵، روز شمار ج ۱، ص ۱۱
- ۳۵- روز شمار، ص ۱۳
- ۳۶- سندش ۱۱۴-۱۰۵-۲۶ ص موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- ۳۷- مجموعه اسناد ۱۱۳-۱۹-۲۲ گ الی ۱۱۳-۱۹-۵۸ گ، موجود در آرشیو مؤسسه درباره انقلاب مشروطه تا استبداد صغیر.